

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش
۲۷ اپریل ۲۰۲۱

تداوم جنایت ۷ ثور در فاجعه های ۸ ثور و ۷ اکتوبر

استعمار و امپریالیسم تا توانسته با ایجاد رعب، وحشت و اختناق در تباری با نظام های مزدور و مرتجع آفریده اش، خلق های بی دفاع را اسیر و منابع طبیعی را به تاراج برده و سلطه سرکوبگرانه اش را بر ملل و خلق های تحت ستم بسته به زنجیر اسارت، گسترانیده تا بدون مقاومت خلق ها، خود به حیات ننگینش ادامه داده و سلطه استعماری اش بر دوش مردمان کشور های تحت سلطه تداوم یابد.

تاریخ شورانگیز کشور ما گواه بر این مدعا است. از زمانه های دور بدین سو ایستادگی و مقاومت توده های عظیم خلق این سرزمین در برابر هجوم سپاه استیلاگران، مهاجمان و استعمارگران در چندین نوبت با نبرد و پیکار علیه متجاوزان بیرونی و پایه اجتماعی بومی شان و در زمانه های معاصر علیه امپریالیست های آدمخوار انگلیس، شوروی و امریکائی و شرکاء و مزدوران بومی شان در دفاع از مادر میهن ادامه داشته و ثبت شده است. همین ستیز و مقاومت سلحشورانه در برابر متجاوزان و نبرد بی امان و خونین توده ها با دولت ها و نظام های طبقاتی ستمگر و طبقات حاکمه زمان، به این تاریخ خصلت شورانگیز بخشیده است. با همین ویژگی های انکارناپذیر است که خود استعمارگران غربی، این سرزمین کهن را "گورستان امپراتوری ها" لقب داده اند.

متعاقب گوشمالی دادن استعمارگر بریتانیای کبیر توسط رزم آوران نبرد استقلال در ابتدای قرن بیستم موازی و همزمان با حوادث شگرف انقلاب کبیر اکتوبر روسیه، بی تردید، ستیز و مقاومت مردم ما در برابر سوسیال امپریالیسم متجاوز و توسعه طلب شوروی، یکی از درخشان ترین و حماسی ترین نبردهای آزادیخواهی خلق افغانستان در ربع اخیر آن قرن محسوب می شود و شکست آن امپریالیسم غدار به نام نامی مردم شجاع و آزادیخواه این سرزمین ثبت کتیبه تاریخ است.

سوسیال امپریالیسم توسعه طلب شوروی مثل هر استعمارگر دیگر با برنامه ها و اهداف پلید استعماری برای غارت داشته های اقتصادی و فرهنگی افغانستان و تحقق برنامه استعماری اش در قبال منطقه جنوب آسیا و شرق میانه، با تکیه بر جبار ترین ستمگران و خودفروخته و بی احساس ترین مزدورانی مثل باند های "خلق و پرچم" با کودتای خونین روسی در هفت ثور ۱۳۵۷ش توسط آن بردگان بی مقدار، سرنوشت کشور و مردم ما را به دست آن بردگان ریاست جوی زرین قلاده اش سپرد و در مرحله تکاملی جنایت ۷ ثور، افغانستان عزیز را اشغال نظامی کرد. تزاران نوین در تباری با خودفروخته ترین و وحشی ترین جلادان جنایت پیشه ۷ ثوری سرزمین آزادگان را به جهنم سوزان برای

مردمش مبدل کرده و در عین تاراج غنایم و گنجینه ها، ده ها هزار مبارز انقلابی، آزادیخواه متفکر و اندیشمند، جوان و نوجوان را از میان خلق به پاخاسته کشور سر به نیست کرده و خون میلیون ها تن از توده های بی دفاع افغانستان را ریخته، و ضمن ویرانی آبادانی وطن ما، میلیون های دیگر از هموطنان آزاده ما را زخمی، معلول و آواره ساخت تا به ستراتیژی سرکوب مقاومت ملی خلق آزادیخواه افغانستان دست یابد.

در میدان همین نبرد تجاوزکارانه ای که خود به راه انداخته بود، سوسیال امپریالیسم شوروی و چاکران وطن فروش "خلق و پرچم" شکست تاریخی خوردند. لشکر اشغالگر استعماری تزاران نوین در آتشی که خود در کشور ما افروختند، دود شده و آوار و خاکستری از دم و دستگاه و رژیم مستعمراتی مزدوران بومی اش بر جای ماند.

در پایان آن فصل پر از خون و خشونت، و آکنده از فاجعه و حماسه، فاجعه هفت ثور به فاجعه هشت ثور انجامید. جنایات بی شمار و هولناک اخوانی های جهادی هفتگانه و هشتگانه همراه با ملیشیا و سائر بقایای جلاخان و میهن فروشان "خلق و پرچم"، حین جنگ قدرت، کشتار غیرنظامیان و بربادی شهر ها شد. با ایجاد و ظهور مزدوران فاشیست طالبان با حمایت امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه و تداوم جنایات و بربادگری متقابل این مدعیان قدرت پوشالی در نقش نیروی های تاریخ زده و مزدور اسلام سیاسی، زمینه ساز مجدد اشغال کشور ما توسط امریکا و شرکای جنایت ناتوئی و غیرناتوئی اش شدند.

در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی آن فاجعه را با فاجعه جنایتبار تر و دارای ابعاد خونین تر دیگری پیوند زدند. در آن روز امپریالیسم جنایتکار و اشغالگر امریکا با شرکای جنایاتش نخستین بمب را بر کشور ما از هوا ریخته و افغانستان را اشغال، رژیم دره و سنگسار مزدوران طالبانی خود را ساقط و رژیمی از ترکیب خودفروختگان اخوانی تنظیمی به اضافه چند مزدور وارداتی تکنوکراتی را با پایگاه طبقاتی "فئودال - کمپرادوری" در سایه حمایت تانک و بمب افکن امریکائی و سربازان اشغالگر بر خلق ما تحمیل کردند.

امپریالیست های اشغالگر امریکا - ناتو همانند اسلاف متجاوز روسی شان، با تحمیل جنگ های طولانی پایان ناپذیر اشغالگرانه، با کشتار مستقیم و غیرمستقیم زحمتکشان کشور، غارت، ویرانی، آوارگی مجدد، انتحار و انفجار، تقویت ارتجاع اخوانی جهادی - طالبی، ترویج خرافات دینی، ترویج اعتیاد و فرهنگ مافیائی و تخریب محیط زیست کشور ما، انتقال داعش به افغانستان و غیره، در عمل در پوشش دموکراسی و انتخابات در کشوری مستعمره که حاکمان آن اشغالگران اند؛ طی دو دهه اشغالگری مرتکب جنایت هولناک تری شده اند. تبعات این دو دهه اشغالگری امپریالیسم در کشوری فاقد استقلال و حاکمیت ملی، مصیبت ها، جنایت ها و فاجعه هایی با همه پیامد های ویرانگر و هستی براندازش بر کشور و ابعاد مختلف زندگی مردم بلاکشیده ما بدون وقفه ادامه داشته و سایه انداخته است.

این دو دهه تجاوز به همه ابعاد زندگی انسان تحت ستم این سرزمین و پیامد های خونین و مصیبت بارش همراه با عشوّه بی خریدار دموکراسی بازی امپریالیسم و طنازی مزدوران "مدنی" و تسلیم طلبان "سیاسی کار" و "ضد بنیادگرائی" خادم اشغالگران نتوانست از میزان نفرت و انزجار و اعتراض بحق مردم شجاع و حق شناس افغانستان در قبال امپریالیسم قاتل و کلیت رژیم خیانت ملی ساخته اشغالگران کاسته و صدای اعتراض و آزادیخواهی توده های میلیونی را خفه کند و مردم سلحشور و دلیر این خطه تاریخی را با اشغالگران و مزدوران خیانت پیشه و ستم پیشه آنان انس و آشتی دهد.

باز هم این ملت آزاده و این خلق تسلیم ناپذیر با تن زخمی، استخوان های شکسته، شریان های خشکیده و قلب های بیماری که با بمب ناپالم اشغالگر روسی، با سرنیزه جلاخان "خلقی - پرچمی" با آتش سوزی، توپ و هاون و انفجار و

انتحار مجاهد، طالب، داعش، با ریاکاری تکنوکرات، و جفا و زورگوئی سائر باند های تبهکار و سوداگران مرگ شگافته شد، هیچ گاهی ناامید نشده و به متجاوزان و حامیان خود فروخته و جلاد شان سر تسلیمی خم نکرده اند.

آری، به رغم دو دهه آزگار اشغالگری، همه تلاش های مدنی و غیرمدنی امپریالیسم و مزدورانش برای مطیع و منقاد ساختن این ملت و خاصاً مردم سرافراز افغانستان، به صفر تقرب یافته است. این روز ها ما و جهانیان در طلیعه دهه سوم قرن بیست و یکم، شاهد شکست بزرگ امپریالیسم متکبر امریکا و شرکای نظامی اش در سازمان جنایتکار ناتو و رسوائی جهانی آنان هستیم. طوری که دیده می شود، قرار است با عقب نشینی شرمسارانه ارتش اشغالگری که در پی تحقق برنامه های سیاسی و اقتصادی استعماری در کشور ما بود و می غرید، این بار نیز شکستش در "گورستان امپراتوری ها" به نام مردم بیدار و آزادی دوست و دشمن ستیز افغانستان رقم بخورد.

فاشیست های خودفروخته طالبی با تسلیمی علنی یک سال پیش شان به امپریالیسم اشغالگر نشان دادند، که مخلوق خودساخته امپریالیسم بوده، جنگ شان برای قدرت، مثل خود طالبان ذره ای صبغه ملی نداشته و شعار های "ضد اشغالگران شان" برای فریب خلق الله سر داده می شد. با این کاراکتر ضد ملی و ضد مردمی، پیامد شکست امپریالیسم هر چه که باشد، تسلیم شدگان تا مغز استخوان فاسد طالبان سهمی مثبت از موضع مردم افغانستان در این شکست اشغالگر که به پیروزی مردم افغانستان نمی انجامد، ندارند.

طی بیش از چهل سال اخیر پس از فاجعه ۷ ثور، فاجعه ای به فاجعه دیگر گره خورده و در کشور ما در غیاب یک بدیل مستقل ملی - انقلابی خلق افغانستان، با همه مصائبش تداوم یافته است. این بار نیز امپریالیسم اشغالگر در اوج درماندگی در نتیجه دو دهه سیاست و عملکرد تجاوزکارانه اش، از این "گورستان" راه فرار می جوید. در عین اعتراف به شکست بازوی نظامی اش، امپریالیسم شکست خورده امریکا در راس پیمان نظامی ناتو، خواهان حفظ حضور استعماری اش در افغانستان و منطقه به گونه ای دیگر است. با چنین سیاستی، در صورت خروج کامل نیرو های اشغالگر امریکا - ناتو از افغانستان اشغالی، یگانه گزینه عملی برای امپریالیسم تکیه روی ارتجاع "فئودال - کمپرادوری"، تقسیم قدرت و حضور غیرمستقیم در صحنه افغانستان در عرصه های سیاسی، اقتصادی و استخباراتی است.

در حالت جاری فقدان بدیل ملی - مردمی در افغانستان، شکست و فرار نیرو های شکست خورده امپریالیسم، به پیروزی ارتجاع بومی عمدتاً متشکل از اخوانی های طالبی - جهادی جمع دلال های تکنوکرات انجامیده و سهم مردم زحمتکش و ستمکش افغانستان، جز ستم و بهره کشی همراه با فشار های اجتماعی و فرهنگی، سرکوب سیاسی، غارت منابع کشور، تخریب مزید محیط زیست، سیر قهقرائی جامعه و جنگ های احتمالی بر سر سهم نیرو ها از قدرت پوشالی، چیز دیگری نخواهد بود. در این صورت، مبارزه مردم افغانستان ضرورتاً برای بازستاندن انتقام این همه خون های ریخته شده بی گناهان و آزادیخواهان کشور از ۷ ثوری ها، ۸ ثوری ها و ۷ اکتوبری ها که همانا طرد کامل سلطه امپریالیسم و واژگونی ارتجاع متحدش و اعمار کشوری آزاد، دموکراتیک و مترقی است، ادامه خواهد یافت.